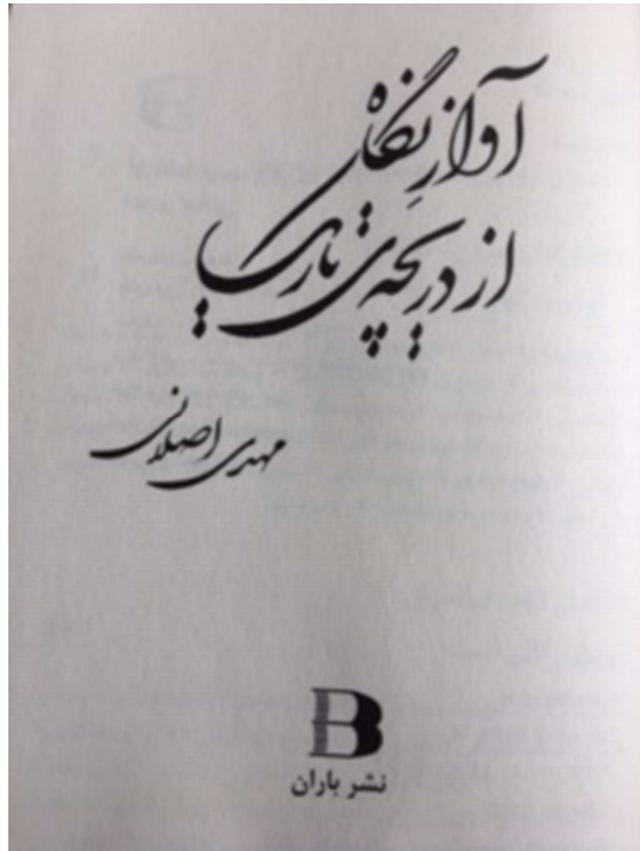


## پژواک سیاه سال ها !

بررسی ، نگرش و ارزیابی :

رشاد - مصطفی سلطانی

چهارم سپتامبر ۲۰۲۰



کتابی معتبر بنام " آواز نگاه از دریچه‌ی تاریک " توسط جناب آقای مهدی اصلانی که در واقع روایت هاو خاطرات و اشک های خونین آزادگان و آزاد اندیشان و اعضا خانواده های زندانیان سیاسی بوده ، توسط انتشارات باران چاپ و منتشر شده است . گردآوری خاطراتی بینهایت غمگین بعنوان سندی تاریخی از زندانیان سیاسی کاری آسان نبوده و بینهایت دشوار است . خصوصا در مواردی نویسنده فایل های صوتی را با رعایت امانت داری و رازداری ، خود پیاده و کنترل و به تایید صاحبانش رسانده است . نام کتاب ، خردمندانه و با ظرافت خاصی انتخاب شده و کتاب محتوای غنی و وزینی دارد . کتاب ۴۳۱ صفحه بوده و در چهار کاپیتال از جمله ۱- پدران و مادران ۲ - همسران ۳- فرزندان ۴ - برادران و خواهران تنظیم گشته است. سر تیترها جالب و به نحوی طنز آمیز بوده و، بیانات اشخاص را مزین و آرایش داده است . بنده کتاب را بدقت مطالعه و در پروسه‌ی خواندن ، درد های مشترکی را یافتم ، که بر خانواده‌ام در " کردستان " تحمیل شده بود. فاشیزم اسلامی کردستان را با کشتار و جنگ اشغالگرانه میلیتاریزه کرده و اگر آزادیخواهانی، حتی مدتی در کردستان بر علیه فاشیزم اسلامی مبارزه

کرده، جرم آنها مضاعف گردیده است. ارزیابی و داوری هایم را از صافی وجدانم عبور داده و در مورد این کتاب بگونه‌ای فرمول بندی نموده و عرصه می‌گردد.

محاسن و نقاط قوت:

۱- پلورایسم و زبان فاخر: نویسنده در بیان و انعکاس، زبان مادری و دیالکت هامواضع انسانی و شهامت فراوانی نشان داده و در مواردی مادران با زبان مادری خویش انزجار و نفرت خویش را نسبت به فاشیسم اسلامی ابراز نموده، که ضمن چاپش، ترجمه آنها را نیز بیان کرده است. نویسنده بدون ترس و واژه به دگر اندیشان و زبان های متنوع و احزاب گوناگون در کشور ایران احترام نهاده و مواضع مدرن و پیشرو را بر تائیده که شایسته‌ی تحسین و احترام است.

۲. در گذر تاریخ: در لابلای بیانات بی‌آلایش و عاطفی مادران و پدران، بوضوح درد و محنت و ستم مذهبی و اعماق جنایات و خشونت عریان فاشیسم اسلامی لبریز بوده و بی‌پروا آنها را آنطوریکه بیان شده‌اند، بازگو و در کتاب منعکس گردیده‌اند. آزادیخواهانی و انقلابیوانی که در خیابان‌ها فریاد بر آورده و باسیستم شاهنشاهی مبارزه کرده‌بودند، اکنون در دام‌های غضبناک و متحجر فاشیسم اسلامی بدام افتاده و محبوس دژخیمان شده‌بودند. بدیهی‌اسی که بنیاد گرایان و واپسگرایان مذهبی باافکار زهرآلود و سمی، هژمونی سیاسی را قاپیدند و به انقلاب میلیونی مردم ایران خیانت کردند.

۳. اهانت به فضیلت انسانی: همه‌ی خانواده‌هایی که بنحوی فرزندانشان در اسارت بوده، آنها را برای دیدار موقت به زندان‌ها فرا خوانده و اجازه‌ی ملاقات می‌گرفتند. پروسه‌ی دشوار و سخت دیدار زندانیان سیاسی در زندان‌ها، درد مشترک خانواده‌ها بود که به روابط گسترده‌ی اجتماعی و پیوندهای نامرئی منجر شد. درد مشترک خانواده‌ها تا حدودی فریاد رس و التیام بخش شرایط سنگین و طاقت فرسای آنها بوده و خوشه‌های خشم و رنج هایشان را به آستانه‌ی پژواک تاریخی رسانده است. شهروندان کردستان اکثراً برای دیدار پارتیزان‌ها و پیشمرگ‌ها و کادرهای مخفی به زندان‌های رضائیه، تبریز و کرمانشاه رفته، صبح زود پشت دروازه‌های زندان در انتظار بوده و شرایط طاقت فرسا و ملال آوری داشته‌اند و، در دیدار با فرزندانشان می‌بایست اجباراً فارسی صحبت کنند. پاسداران برای جلوگیری از مبادله اطلاعات، هنگام صحبت به زبان کردی به شهروندان کردستان هتاکی و پرخاش نموده‌اند.

۴. راهی صعب اما سرفرازانه: خانواده‌ها در پروسه‌ی فرار و انتخاب زندگی مخفیانه و یا پناه بردن به خانه‌ی اقوام و نزدیکان، دوران‌های تلخ‌تر از تلخی را با تمام وجود شاهد بوده و پشت سر گذاشته‌اند و بی‌نهایت احساس شرمندگی و در تضاد‌های درونی غوطه‌ور بوده‌اند. در مقاطعی همسایه‌ها و دوستان و آشنایان از خانواده‌ی زندانیان سیاسی روی برگردانده‌اند و انگار با جذامی روبرو بوده‌اند. اگر بگونه‌ای قدرت مالی داشته و یا افرادی آنها را کمک نموده که از ایران خارج شوند، از دام مرگ فاشیسم اسلامی رها شده و با کوله باری از رنج و عذاب جلالی وطن کرده‌اند. این کتاب در مورد مواضع کشور روسیه، که آزادیخواهان فراری بازگو کرده‌اند مطالب سرسام‌آور و نغزی را منعکس نموده است. در مجموع روس‌ها میزبان‌های رثوف و مهربانی نبوده و به فراریانی که تعلق به حزب توده و اکثریت چریک‌ها نداشته‌اند، با اکراه و بی‌میلی رفتار نموده که منجر به فرار پناهندگان ایرانی از روسیه شده است. اعضا حزب توده نیز که به شوروی پناهنده می‌شدند، حقیقت‌ها را بعد از مدتی در مورد کشور شوراها و سوسیالیسم شوروی که "سرابی" بیش نبود در می‌یافتند.

۵. اوج شقاوت و سفاکی: کودکان یکی از قربانیان این بگیر و ببندها بوده‌اند. چه بسا کودکانی در غیاب پدر و در تاریکی و قفس زندان دنیا آمده و مادرشان با بی‌حرمتی و توهین و فشار روانی مواجه شده‌اند. اغلب کودکان با وحشت و گریه به ملاقات والدینشان در زندانها رفته‌اند. سایکولوژی و وضع

روانی داغانی داشته و، محنت ها و رنج های نامرئی نصیبشان شده است. کودکانی که دور از والدین اصلی و نزد خانواده ها و اقوام تربیت و بزرگ میشدند، هنگام آزادی پدران و مادرانشان بشیوه ای با آغوش پر مهر و محبت والدینشان بیگانه بوده اند. پروسه ی برگشتن به آغوش والدین طولانی و آهسته و خسته کننده انجام گرفته است.

۶. بیعدالتی گسترده و خونین: در سراسر روایت ها و بیانات و مقاله ها که در مورد زندانیان سیاسی و خانواده ها و در بدری و ترس و وحشت و فشار بنیاد گرایان اسلامی بر شهروندان ایرانی بحث شده، همزمان فاکتورهای برجسته ای نیز بیان گردیده است: اول، پدیده ی "تجاوز" به دختران زندانی، که با توجه به گذار خیلی کند و آهسته ی فرهنگ مردسالاری و کلتور عقب مانده خاورمیانه و ترجمه های آبیکی و بی اعتبار اخلاقی و دینی، این پروسه خانواده را بشدت نگران و غذاب داده و بشدت سنگین و وحشتناک بوده است. دوم مسئله ی "کتاب" در بعد وسیعی بعنوان ابزار محکومیت و سندسازی در محکومیت ناروا و طولانی و اعدام ها جایگاه تعیین کننده و مخربی داشته است. خانواده ها آگاهانه و از ترس جان، کتاب های نفیس و علمی را آتش زده و نابود کرده و در اشغال دانی ها ریخته اند. سوم مقوله ی "ساک" (چمدان): که کود و رمزشقاوت و سفاکی و کشتار بوده است. ساک از طرف زندانیان و حکومت توتالیتر بشیوه ای مشمئز کننده و غیره انسانی انتخاب و به اقوام زندانی برگردانده شده و همه ی افقهای و روزنه های امیدشان را به تاریکی محض مبدل کرده است. تحویل دادن ساک و چمدان زندانیان سیاسی، فقط ترجمه ی مرگ را بر می تابد و دشمن با این حربه ستون فقرات خانواده را شکسته و آگاهانه امراض روانی و جسمی را بر آنها تحمیل نموده که روان پریشی نمونه ای از آنگونه امراض است. چهارم "قبر زندانی" در نهایت درندگی و سفاکی، محل دفن و قبر زندانیان سیاسی کماکان ناپیدا و مجهول و خانواده های سیاسی از پروسه و چگونگی بخاک سپاری و گورستان عزیزانشان محروم و حتی اجازه ی برگزاری مراسم سوگواری را به آنها ندهاند. که در واقع گریستن و سوگواری را می بایست مخفیانه انجام میدادند. گذشت زمان خانواده ها را با اعیاد و جشنها روبرو میکرد، اما بهار شادی هرگز برای خانواده ها نیامده است.

۷. تحقیر درندانه ی نصفی از جامعه: زنان و دختران در پروسه های زندان، هنگام بارداری در زندان، اوقات ملاقات و مدیریت خانه و نبود امکانات زندگی بیشترین فشار و محرومیت و فداکاری انجام داده اند، آنها شاهد زنده ی مرگ بوده اند که همچنان مزرعه خانواده ها را درو میکرد. قوانین زن ستیز و متحجر اسلامی، ازدواج دختران نه ساله را مجاز دانسته، اما هنگام ملاقات با افراد خانواده شان در زندان، می بایست سنشان بیشتر از سی سال باشد. بیشتر مادران با اراده ی سیاسی و مصمم و بصورت سیستماتیک به فرزندان شان در زندان توصیه نموده که در کمند و دام پدیده ی منحوس "تواب" نیفتند و سربلند بوده و مرگ را بر خفت و خواری ترجیح دهند. دختران انقلابی در زندان ها، با شرایط خشن و ناگواری که با تحقیر و هتاک روبرو بوده اند، دوران نوجوانی و جوانی را سپری کرده و زندگیشان با تراژدی پژمرده و پرپر گردیده به پایان دردناکی ختم میگردد.

۸. قدرت اطلاعات و افقی روشن: معتقدم این کتاب محتوای وزینی دارد و ماتریال ساختن فیلمی مستند در زمینه ی حاکمیت فاشیسم اسلامی و مبارزات انقلابیون ایران را دارد. زیرا اکثریت آزادیخواهانی که خاطرات تلخ تر از تلخشان بازگوشده، مغز های متفکر و گنجینه های علمی و سرمایه های ایران بوده اند، که سرنوشتشان زندان، اعدام، مخفیگاه و جلا ی وطن بوده است. بلاشک بازیگران زیادی، در فیلم حضور می یابند و در بستر اسارت آزادیخواهان، اضطراب و دلهره و وحشت دایمی خانواده ها و اعدام ها، در فیلم نقش آفرینی خواهند کرد. چنین فیلمی بیگمان وزن با ارزش تاریخی خواهد داشت.

جنبه‌هایی نیز در کتاب وجود دارند که نکات ارزنده و شیوای کتاب را در سطح بالائی نمایندگی نمی‌کنند: در مواردی "استثنائی" زبان محاوره‌ای بخدمت گرفته شده که نتوانسته فورم نگارش را به سطح دلپذیری ارتقا دهد. زبان گفتگو فصاحت و بلاغت کلام را بشیوه‌ای با نارسائی هائی روبرو نموده، که سیلیس و روان بودن متن را در بستر دستور زبان با لغزش هائی روبرو کرده‌است. کمبودی برجسته در زمینه چاپ عکس آزادیخواهان، زندان‌ها، قتلگاه منفور خاوران و سیماهای منحوس جلادان مشاهده می‌گردد. بلاشک عکس‌ها حامل پیام‌های گویائی بوده و مکمل فاکت‌ها و دیکومینت‌های تاریخی هستند. معتقدم و باوردارم در میان این ارکستر غم‌انگیز و محزون و ناله و خشم و خونریزی، جوانه زندگی تازه‌ای سر بر می‌آورد و بسوی خورشید تابناک گردن خواهد کشید.

تمام